

الباب الثاني من الواحد الخامس في ذكر مساجد الثمانية من قبل العشر.

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الثاني من الواحد الخامس في ذكر مساجد الثمانية من قبل العشر.

ملخص این باب آنکه لایق است بر مقتدرین در بیان که هیجده مسجد جدا جدا جدیداً باسم حروف "من ینظره الله" بنا کنند که مدل باشد از برای حروف حی اول و در آنها تسبیح و تقدیس و توحید و تعظیم الهی را بجا آورند و در آنها هر قدر که توانند ارتفاع دهند مصباح را که در آن اسراف نبوده و نیست گویا دیده میشود که بعدد اسم "مستغاث" در آن مساجد لنتهای مرتفع آویخته که مثل کوكب سماء مشرق است و در آنجا حاضر شده مؤمنین بخدا و آیات او و نماز گزارده

ولی بترسید از آن روزی که همین حروف بر میگردند بسوی حیات دنیا که اقلاً مقاعد خود ایشان را از ایشان ممنوع نکرده چنانچه در ظهور نقطه بیان کردند کل باسم احادیث قبل ایشان امامت در مساجد نموده و خود ایشان را بافکهای که نسبت بایشان داده از مساکنی که در آن ذکر خدا مرتفع میشد ممنوع داشته چنانچه هر کس در این ظهور بوده وقایع آن را ثبت نموده که در مساجد عالیه که از برای ایشان راضی نشده بر ذاتی هم راضی نشده بلکه از این هم تنزل نموده تا آنکه واقع شد آنچه واقع شد

نه این است که حجتی بر ایشان نباشد الآن هم بهمین حجت این مساجد بر پا میشود و بهمین حجت از قبل بر پا شده که اگر و من یعمر مساجد الله نازل نشده بود چگونه این همه مساجد بر پا می شد ولی این خلق نظر بجوهر دلیل نکرده و از این جهت است که محتجب میگردند از حق نظر میکنند می بینند خلق کثیر بحج میروند ولی



ORIGINAL



AUDIO

نظر نمیکند که این همه در ظل چه شجره حرکت میکنند و بواسطه چه حجتی راضی باین همه مشقت در سبیل میشوند ولی چون مایه افتخار شده لایشر میکنند

و حال آنکه کل این همه خالق اعمالشان بواسطه و لله على الناس حج البيت است و همان کلمه در یوم ظهور "من یظهره الله" هست و امروز هست و در حین نزول فرقان بوده ولی چون می بینند در آن امر خود قرینی ندارند این است که محتجب میمانند از مبدأ امر و بعد که از برای خود قرین بهم می‌رسانند و مایه افتخار میشود کل میکنند

و اگر همان نفس که امروز میکند در آن یوم بود نمیشنید امر خدا را چگونه عمل کند چنانچه امروز می بینی که همان حجت هست و همین قسم محتجب مانده اند محتجبون در نه‌هائی که از بحر حجیت کتاب الله منشعب شده سیر میکنند و از نفس بحر محتجبند این است که حکم ضلال بر خالق میشود و حکم شعاع بر مؤمنین از روی بصیرت و شمس که آیه خود حقیقت است و متعالی است از اقتران بذکری اذ لا یری فیہ الا الله ذلک رب العالمین.

